

عصر دیگردیسی جهان

اگر کرونا درمان شود اما آدمیان را در اندیشه فروبرد که شیوه و به آیین زیستن کدام است...



اگر کرونا درمان شود اما آدمیان را در اندیشه فروبرد که شیوه و به آیین زیستن کدام است و از آن شیوه استفاده کنند و در پی ترازمندی و تعادل باشند و از آن چه جهان را به نابودی می کشد، بپرهیزند، کرونا پدیده ای خواهد شد، خجسته و فرخنده با همه مرگ هایی که به بار آورده مایه زندگانی خواهد شد، زندگانی سنجیده و ستوده. آن زندگی که به راستی شایسته آدمی است.

به گزارش ایسنا، روزنامه جام جم نوشت: «همه عمرش کتاب خوانده و تحقیق کرده. اتفاقاتی ایران را از قدیم الایام می شناسد و می داند سرزمین ما که صاحب یکی از قدیمی ترین تمدن های روی زمین است تاکنون چه بلاهایی را از سرگذرانده و دوام آورده است. با جلال الدین کزازی هم صحبت شدم تا برایمان از کرونا بگوید. این که نگاهی به این ویروس و این بیماری چیست. او درباره تغییر سبک زندگی در دوره کرونا گفت و این که این ریزدزه که کرونا نام دارد چگونه همه دنیا را بدون در نظر گرفتن طبقه بندی های رایج تغییر داده است.

بیماری مرزشکن

کزازی درباره کرونا می گوید: جهان با بیماری های فراگیر که در زمان کوتاه گسترش زیادی پیدا می کنند و صدها یا هزاران تن را دچار خود می گردانند و بسیاری از آنها را از پای درمی آورند، بیگانه نیست. بسیاری از این بیماری ها را دانش پزشکی که در این سده ها پیشرفت های زیادی داشته، برانداخته. هر چند این بیم بزرگ، چندی است پدید آمده و پزشکان را به اندیشه واداشته که گاهی آن چاره های گذشته کارکرد خود را از دست می دهند و آن بیماری های پیشین می تواند دوباره برگردد، گسترش یابد، مردمان را بکشد. اما این بیماری نوپدید که کرونا نامیده شده با هیچ کدام از آن بیماری های فراگیر، سنجیدنی نیست. این بیماری کارکردهایی دارد که آنها را در هیچ کدام از بیمارهای شناخته، نمی توان دید از همین روست که این بیماری هنگامی که برانگیخته است، در زمانی بسیار کوتاه می تواند گروهی پرشمار را بیلالاید و در زمان اندک به بیماری مرزشکن و جهانگیر دیگرگون شده است.

از سوی دیگر این بیماری به گونه ای است که نباید تنها از دید پزشکی و درمانگری به آن نگریست و در آن اندیشید. این بیماری هنجارهای دیرینه گوناگون را در زندگی آدمی آماج می گیرد و از میان می برد. در گسترش این بیماری شهرهای بزرگ و آباد که خیابان های آنها پر از مردمان بوده به برهوت دگرگون شده است، هیچ رهگذاری در این خیابان ها نیست و اگر باشد در شماری اندک است. از سوی دیگر نهادهای گوناگون را از کار انداخته است. نهادهای فرهنگی، آموزشی، هنری، اقتصادی و ... به همان سان درهای کارخانه ها و بنگاه های فرآوری را تخته کرده است. این کارکردها چنان شگفتی آور و نو آوین و بی پیشینه است که از هم اکنون که جهان در آغاز این بیماری است، اندیشه ورزان را واداشته که به آن چنان پدیده ای که جهان را شاید دگرگون بتواند کرد، بنگرند.

بسان داستان نمرود و پشه

به نظر من اگر روند گسترش این بیماری همچنان بپاید، درمان و چاره ای برای آن یافت نشود، می تواند جهان، تاریخ و سرنوشت آدمی را به دو پاره بخش کند. یکی پیش از کرونا، دوم پس از کرونا، چون جهان دیگر مانند پیش از کرونا نخواهد ماند. این بیماری تنها بینوایان، ناتوانان، تنک مایگان را آسیب نمی رساند. جهان خوارگان، ستمکاران، توانگران بزرگ هم درمانده و بیچاره شده اند. از شاه تا گدایی که گوشه ای از رهگذار شب را به روز می رساند از این بیماری، در پناه، در امان نمی توانند بود. در داستان های کهن آمده است آفریدگار از آن روی که نیروی چیره و برتر خود را بر آدمیان به روشنی آشکار بدارد، یکی از ستمگاران و خودکامگان را که نمرود نام داشت، با پشه ای به ستوه آورد و از میان برد. پشه ای را از راه بینی به مغز نمرود افکند، این پشه همتا و آرام و آسایش را از این پادشاه ستمگار ستاند، هم پس از چندی او را کشت. پشه نماد جاننداری است که بسیار خرد و ناچیز و ناتوان است اما به هر روی پشه را می توان دید اما این ویروس کرونا که جهان را یکسره برآشفته و جهانیان را در بیم و هراس و گاه ناامید درافکنده است، هنرجاننداری است آن چنان ریز که او را تنها با ریز بین های بسیار نیرومند می توان دید.

از دکتر کزازی می پرسیم آیا به نظرتان، کرونا باعث تغییر و پیشرفت دنیا خواهد شد؟ می گوید: می انگارم سرانجام چاره این بیماری یافته خواهد شد، اما در کنار آن می توان امید برد که جهان دگرگون بشود، زیرا که آن چه این ویروس با جهان کنونی ما کرده، زمینه را برای دگرگونی فراهم آورده است. ما به یاری چیرگی ها و توان هایی که در این سالیان به دست آورده ایم با دانش فناوریانه و ابزار ساز، جهان را در سرایش نابودی افکنده ایم. یکی از شادی های مردمان در این روزهای تاریک کرونایی این است که می توانند آسمان پاک آبی را ببینند، این بخت را یافته اند که هوای پاک را به درون شش هایشان بکشند. جاندارانی که از آدمیان هراسان بوده اند و می گریختند، دیگر بار به زیستگاه های خود بازآمده اند. در شهرها پاره ای از آنها می توانند با آرامش راه بروند یا بیارمند. ما زمینه نابودی خود را فراهم آورده ایم. هوا را دریا را خشکی را آلوده ایم. هر روز درخت هایی در آتش می سوزند یا با تبر بریده می شوند. هر روز گونه هایی از گیاهان یا جانواران از میان می روند. ما با ویران ساختن جهان پیرامون زمینه ویرانی و تباهی خود را فراهم می آوریم.

از سوپی زراندوزی، پول پرستی، انباشتن بیهوده سرمایه ها، گسلی در میان آدمیان پدید آورده است. بیشینه سرمایه و خواسته جهان را درصدی اندک از جهانیان در گنج خانه های خود دارند. کسانی چنان توانگرند که نمی دانند با آن خواسته و پول چه باید کنند اما از طرفی انبوهی از مردمان از گرسنگی در رنجند. این ناسازگاری ها و نابرابری ها، زمینه های دیگری است که جهان را در سرایش افکنده است. اما کرونا اگر مهار نشود نه بینوا می شناسد، نه توانگر نه ناتوان نه توانا. آن چه کشورهای نیرومند در چیرگی بر دیگران به آن می نازند و بر آن بنیاد می کنند جنگ افزارهای پیشرفته است. اما در نبرد با کرونا هیچ کاری از این جنگ افزارها ساخته نیست. اگر کرونا درمان شود اما آدمیان را در اندیشه فروبرد که شیوه و به آیین زیستن کدام است و از آن شیوه استفاده کنند و در پی ترازمندی و تعادل باشند و از آن چه جهان را به نابودی می کشد، پرهیزند، کرونا پدیده ای خواهد شد، خجسته و فرخنده با همه مرگ هایی که به بار آورده مایه زندگانی خواهد شد، زندگانی سنجیده و ستوده. آن زندگی که به راستی شایسته آدمی است. زیرا انسان راستین که شایسته این نام است، انسانی است که در دم می زید اما نه به این گونه که در اندیشه آینده نباشد و نداند نوع زیستنش چه پیامدهایی در آینده های نزدیک و دور خواهد داشت. انسان راستین خودپسند و ویرانگر نخواهد بود. اگر جهانیان از کرونا این آموزه های بزرگ را بتوانند ستانند و اگر کرونا بتواند آنان را از خواب برانگیزد. من برآنم جهان به گونه ای دیگر دسی دست خواهد یافت که هم به سود جهان خواهد بود و هم به سود جهانیان.»